

استانداردهای زناشویی و اسنادهای ارتباطی به‌عنوان پیش‌بین‌های سازگاری و ناسازگاری زناشویی زنان

Marital standards and relationship attributions as predictors of women's marital adjustment and non-adjustment

Masoud Shahbazi
Islamic Azad University, Masjedsoleyman
branch
Amin Koraei
Islamic Azad University, Ahvaz branch
Nahid Kianijam
Counseling

مسعود شهبازی*
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مسجدسلیمان
امین کرایبی**
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز
ناهید کیانی‌جم
مشاوره

چکیده: سازگاری زناشویی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت رابطه زناشویی است. پژوهش‌های متعددی به نقش استانداردهای زناشویی و اسنادهای ارتباطی در پیش‌بینی وضعیت زناشویی زوجین پرداخته است. هدف پژوهش حاضر تعیین نقش ابعاد استانداردهای زناشویی و اسنادهای ارتباطی در پیش‌بینی سازگاری و ناسازگاری زناشویی زنان متأهل بود. نمونه‌ای شامل ۳۲۴ زن متأهل (۱۵۰ زن ناسازگار و ۱۷۴ زن سازگار) در پژوهش حاضر شرکت داشتند. از شرکت‌کنندگان درخواست شد پرسشنامه استانداردهای روابط خاص (ISRS) و مقیاس اسناد ارتباطی (RAM) را تکمیل کنند. نتایج به‌دست آمده، فرضیه پژوهش مبنی بر پیش‌بینی سازگاری و ناسازگاری زناشویی زنان بر اساس استانداردهای زناشویی (مرزهای شخصی، پیامد کنترل و سرمایه‌گذاری ابزاری و عاطفی) و اسنادهای ارتباطی (جایگاه مهار، ثبات و پایداری، عمومیت، قصد و نیت، انگیزه و سرزنش) را تأیید کرد. همچنین، نتایج تحلیل تمیز با روش گام‌به‌گام نشان داد که متغیرهای اسناد انگیزه، استاندارد سرمایه‌گذاری عاطفی و اسناد جایگاه مهار، قوی‌ترین پیش‌بین‌های سازگاری و ناسازگاری روابط زناشویی هستند. بر اساس یافته‌های به‌دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که استانداردهای زناشویی و اسنادهای ارتباطی نقش مهمی در سازگاری زناشویی زنان دارد.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای زناشویی، اسنادهای ارتباطی، سازگاری و ناسازگاری زناشویی، زنان متأهل

Abstract: Marital adjustment is one of the most important indicators of women's marital quality. Several studies have investigated the role of marital standards and relationship attributions in predicting marital quality in married couples. The purpose of this study was to investigate the role of the dimensions of marital standards and relationship attributions in predicting adjustment/ non-adjustment among married women. A sample of 324 married women (150 non-adjusted and 174 adjusted) was selected from all married women in Ahvaz. Participants completed the Inventory of Specific Relationship Standards (ISRS) and the Relationship Attributions Measure (RAM). Results obtained from Enter Discriminant analysis revealed that adjustment or non-adjustment in marital relationship can be predicted by the variables of marital standards (personal boundaries, control outcome, instrumental and expressive investment) and relationship attributions (locus of control, stability, globality, intent, motivation and blame). Also, Stepwise Discriminant analysis of the data indicated that motivation attribution, expressive investment standard and locus of control attribution are the strongest predictors of adjustment/non-adjustment in marital relationships. Based on the findings, it can be concluded that marital standards and relationship attributions play a significant role in women's marital adjustment.

Keywords: marital standards, relationships attributions, marital adjustment or non-adjustment, married women

* نشانی پستی نویسنده مسوول: استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مسجدسلیمان، مسجدسلیمان، ایران. پست الکترونیکی: masoudshahbazi66@yahoo.com

** استادیار گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران

مقدمه

ازدواج^۱ تعهدی با عشق و مسئولیت برای صلح، شادی و توسعه روابط خانوادگی است و علاوه بر این، انتخاب یک شریک و ورود به یک زندگی زناشویی، یک نقطه عطف و موفقیت شخصی است. شکی نیست که انتخاب شریک زناشویی یکی از مهم‌ترین تصمیماتی است که در طول زندگی هر فرد پیش می‌آید. مردم به دلایل بسیاری مانند؛ عشق، شادی، همراهی و آرزوی داشتن فرزندان، جاذبه جسمانی و یا تمایل به فرار از یک وضعیت ناشاد و ناراضی، ازدواج می‌کنند (روا، ۲۰۱۷). ازدواج و رابطه زناشویی مزیت‌های زیادی برای زوجین دارد، اما فروپاشی زندگی زناشویی با افزایش مشکلات روانی و کاهش سلامت جسمانی و افت موقعیت اجتماعی و اقتصادی زوجین همراه است (گاتمن^۲، ۲۰۱۳؛ به نقل از خجسته‌مهر و محمدی، ۱۳۹۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد با رضامندی زناشویی بالا و روابط صمیمانه نسبت به افرادی که زندگی زناشویی ناسازگارانه‌ای دارند، بیشتر عمر می‌کنند (کپلر، ۲۰۱۵) و از سلامت جسمانی بالاتری برخوردارند (اسلاچر و شویی، ۲۰۱۷).

سازگاری در زندگی زناشویی یک فرآیند مستمر و در حال تغییر است (منیام و جونپور^۳، ۲۰۱۴؛ به نقل از بشارت و رفیع‌زاده، ۱۳۹۵). طی دهه گذشته سوالاتی از قبیل "چگونه ازدواج‌ها رشد می‌کند، چه ملاک‌هایی بر موفقیت و شکست ازدواج تأثیر می‌گذارد و چه عواملی موجب شکست ازدواج می‌شود؟" علاقه پژوهشگران را به خود جلب کرده است (واندرر و شوانویند، ۲۰۰۸). پژوهشگران تاکنون دانش نسبتاً یکپارچه‌ای درباره رابطه فرایندهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض (گاتمن و لونسون، ۲۰۰۰)، مهارت‌های متقابل زوجین و استرس در زندگی (بودنمن و سینا، ۲۰۰۰) به‌دست آورده‌اند (لیتزینجر و گوردون، ۲۰۰۵). بنابراین، برای پژوهشگران مهم است تا مفاهیم اصلی که با شکست و موفقیت ارتباط زناشویی رابطه دارند را مورد بررسی قرار دهند. شناخت‌ها در این ارتباط نقش مهمی ایفا می‌کنند (کوهن و سایرین، ۲۰۰۵).

در سال‌های اخیر، بر نقش عوامل شناختی در عملکرد زناشویی تأکید زیادی شده است. باکوم، اپستین، سایرز و همکاران (۱۹۸۹)، پنج مقوله از شناخت‌های زوجین را پیشنهاد دادند که شامل پیش‌فرض‌ها^۴، اسنادها^۵، توجه انتخابی^۶، انتظارات^۷ و استانداردها^۸ (اپستین، چن و بیدر-کامجو، ۲۰۰۵) است. پژوهشگران شواهدی در دست دارند که نشان می‌دهد این پنج شکل از شناخت‌ها بر رضایت زوجین از رابطه و تعاملات مثبت و منفی آنها، تأثیر می‌گذارد (اپستین و باکوم، ۲۰۰۲). توجه انتخابی، پیش‌فرض‌ها، و انتظارات، شکلی از فرایند اطلاعاتی لحظه‌به‌لحظه هستند، ولی اسنادها و استانداردها، الگوهای دائمی یا "ساختارهای شناختی" نسبتاً پایدار، از قبیل ویژگی‌هایی از روابط صمیمی، که افراد درباره کلمات گسترش می‌دهند را شامل می‌شوند؛ بنابراین، دو نوع از شناخت‌ها که در عمل بیشتر به آنها توجه شده است، اسنادها و استانداردها هستند (اپستین و همکاران، ۲۰۰۵). اسنادها و استانداردهای افراد در طی رشد و در خلال تجربیات ابتدایی افراد با خانواده شکل می‌گیرند (برانت، دین، براندون و سارا، ۲۰۱۱).

استانداردهای زناشویی ویژگی‌هایی هستند که فرد معتقد است یک شریک و یا رابطه باید داشته باشد. استانداردها به خودی خود اختلال‌آور نیستند اما ممکن است وقتی آنها شدید و محکم باشند و یا از جنبه‌های دیگری از زندگی فرد بکاهند، مشکل‌ساز شوند (باکوم و همکاران، ۱۹۸۹). استانداردها مجموعه‌ای از باورها هستند که برای فرد مشخص می‌کنند رابطه و افراد آن باید چه عملکردی داشته باشند. زوج‌ها از استانداردها برای ارزیابی درست و قابل قبول رفتار دیگری استفاده می‌کنند. استانداردها بر رضایت افراد از رابطه تأثیر می‌گذارد و باید‌های افراد در مورد زندگی را مشخص می‌کند (باکوم، اپستین و لاتیلا، ۲۰۰۲). اپستین و باکوم (۲۰۰۲) استانداردهای زناشویی را به‌صورت: "باورهای فرد در مورد خصوصیات یک رابطه صمیمی، که آن رابطه باید داشته باشد" تعریف می‌کنند. درحالی‌که برخی دیدگاه‌ها نشان داده‌اند که استانداردهای زناشویی بالا می‌تواند به‌وسیله

4. assumptions
5. attributions
6. perceptions
7. expectancies
8. standards

1. marriage
2. Gottman, G. M.
3. Manyam, S. B., & Junior, V. Y.

یکی دیگر از مولفه‌های شناختی که می‌کوشد اختلاف‌های زناشویی را تبیین کند، اسنادهای ارتباطی است. طبق نظریه‌های شناختی هر فرد جهان‌بینی ویژه‌ای دارد که تفسیر او درباره منشأ مشکلات و همچنین مسئولیت وی برای حل‌وفصل آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این قبیل توجیه و تبیین‌ها، سبک اسنادی نامیده می‌شود و علاوه بر اینکه به افراد، توانایی تجزیه‌وتحلیل رفتاری خودشان و دیگران را می‌دهد، بر احساسات و رفتارهای متعاقب آنها نیز تأثیر می‌گذارد (هیلت، ۲۰۰۴). در خصوص ارزیابی نقش اسنادها در رضایت زناشویی می‌توان گفت که اسنادها تغییرات در رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند (برادبوری و فینچام، ۱۹۹۰). باکوم، سایرز و دوهر (۱۹۸۷) معتقدند فعالیت اسنادی، بیشتر زمانی فراخوانده می‌شود که رفتار طرف مقابل مهم و خصمانه جلوه نماید. بنابراین در موقعیت‌های آسیب‌زا، اسناد فرد در مورد علت رفتار همسر مسئله مهمی است. اگر زنی از یک حادثه منفی توجیه مثبت داشته باشد، به احساس بهتر او نسبت به شریک خود کمک می‌کند و فرایند طلاق و ازدواج می‌تواند بهتر درک شود. در یک ازدواج خوشبخت، اگر یک شریک، عملی منفی انجام دهد، دیگری معمولاً فکر می‌کند که منفی بودن زودگذر و مقطعی است. هولمز و جاکوبسون (۲۰۰۹) اسنادهای منفی را "نگهدارنده مشکل" در زوجین می‌دانند. این تعبیر جای اندکی برای خوش‌بینی و انتظار رفتارهای خوب در آینده باقی می‌گذارد. بنابراین اسنادها نه تنها روی احساسات افراد در مورد رابطه‌شان تأثیر می‌گذارد، بلکه رفتارشان را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ارتباط بین اسنادها و رضایت زناشویی در پژوهش‌های بسیاری ثابت شده است (کایمس، دورتشی، کلیفورد، نپ و فینچام، ۲۰۱۵). برادبوری و فینچام (۱۹۹۰)، اسنادهای همسران را به دو دسته اسنادهای علی^۷ و اسنادهای مسئولیت‌پذیری^۸ تقسیم می‌کنند. اسنادهای علی فرایندی است که زوجین تلاش می‌کنند علت رویدادها یا رفتارها را بفهمند و اسنادهای مسئولیت نیز پاسخگو بودن زوج در برابر

مقایسه کردن و سپس آسیب وارد کردن به رابطه، به نتایج واقعا بدی منجر شود. دیدگاه‌های دیگری نشان داده‌اند که استانداردهای بالا می‌تواند نیروی انگیزاننده‌ای برای تلاش بیشتر در جهت پرورش یک رابطه مشترک باکیفیت باشند (مکنولتی، ۲۰۱۶). زوجها معمولاً با استانداردها یا باورهای پیش‌پنداشته در مورد چگونگی ارتباطشان، وارد یک رابطه صمیمانه می‌شوند (الکساندر، ۲۰۰۸). بر اساس نظر باکوم و همکاران (۱۹۹۶) استانداردهای افراد در سه حوزه قرار می‌گیرند. مرزها، کنترل یا قدرت^۲ و سرمایه‌گذاری^۳. استانداردهای مربوط به مرزها مشخص کننده ایده‌آل‌های زوج در زمینه نزدیکی در برابر استقلال است. استانداردهای مربوط به قدرت و کنترل مشخص کننده نقش هر فرد در فرایند و نتیجه تصمیم‌گیری‌هاست و استانداردهای مربوط به سرمایه‌گذاری به میزان تلاش و تعهد هر فرد در رابطه اشاره دارد که خود به دو دسته سرمایه‌گذاری ابزاری^۴ و عاطفی^۵ اشاره دارد.

کوهن و سایرز (۲۰۰۵)، در پژوهش خود نشان دادند که استانداردهای افراطی زنان سازگار رابطه بالاتری با رضایت زناشویی دارد، اما در زنان و شوهران ناسازگار، با رضایت زناشویی رابطه کمتری دارد. اپستین و همکاران (۲۰۰۵)، در پژوهش خود مشخص ساختند که استانداردها اغلب با سازگاری زناشویی رابطه دارد. نتایج این مطالعه، نشان داد استانداردهای زوجین نقش مهمی در سازگاری زناشویی ایفا می‌کنند و باید یکی از حوزه‌هایی باشد که در زوج‌درمانی به-خصوص در کار با زوجین درمانده موردتوجه قرار گیرد. خجسته‌مهر، نادری و سودانی (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند رابطه استانداردهای زناشویی با رضایت زناشویی زنان از طریق نقش واسطه‌ای مقابله زوجی معنادار است. حسن‌پور (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود نشان داد که بین استانداردهای زناشویی و کیفیت زناشویی در زنان همبستگی مثبت معنادار وجود دارد.

1. boundaries
2. control or powe
3. investment
4. instrumental investment
5. expressive investment

6. problem maintainer

7. casual attributions

8. responsibility attributions

نیت^۵، انگیزه^۶ و سرزنش^۷ وضعیت زناشویی (سازگار یا ناسازگار) زنان متأهل را پیش‌بینی می‌کنند.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

روش پژوهش حاضر، همبستگی از نوع تحلیل ممیز است و با هدف پیش‌بینی عضویت گروهی (سازگار و ناسازگار) و دستیابی به معادله ممیز طراحی شد. برای تحلیل آماری از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. همچنین برای دستیابی به تفاوت‌های گروهی و پیش‌بینی عضویت گروهی و دستیابی به معادله ممیز، روش آماری تحلیل ممیز^۸ به کار گرفته شد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زنان متأهل شهر اهواز بودند. پژوهش حاضر شامل دو نمونه بود. نمونه اول شامل زنان ناسازگار است (۱۵۰ نفر) که پژوهشگر این افراد را با مراجعه به مراکز مشاوره فعال در سطح شهر اهواز شناسایی و مورد پژوهش قرار داد. برای انتخاب این افراد از نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. بدین صورت که پژوهشگر تعداد ۶ مرکز مشاوره را انتخاب و پس از هماهنگی با مسئولین این مراکز، در ساعات مراجعه افراد حضور یافته و چنانچه واجد ملاک شرکت در پژوهش بودند (کسب نمره کمتر از متوسط در مقیاس رضایت ارتباطی^۹) پرسشنامه‌های اصلی پژوهش در اختیار آنان قرار گرفت که بدین طریق جمعا ۱۵۰ نفر طی مدت زمان ۴ ماه از این مراکز مشاوره انتخاب شدند. برای انتخاب نمونه سازگار از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. منظور از افراد سازگار، زنان متأهلی هستند که در فاصله زمانی مذکور در شهر اهواز در حال ادامه زندگی با شوهر خود بودند و تاکنون سابقه مراجعه به مراکز مشاوره یا دادگستری برای حل اختلافات زناشویی خود را نداشته‌اند. برای انتخاب افراد عادی با استفاده از روش نمونه‌گیری قضاوتی یا هدفمند، از میان افراد متأهل که از نظر خصوصیات جمعیت‌شناختی بیشترین شباهت (بر اساس دامنه سنی،

رویدادها را بررسی می‌کند. گراهام و کونولی (۲۰۰۶)، در پژوهش خود نشان دادند که کیفیت زناشویی زوجینی که درباره رفتار منفی همسرشان از اسنادهای غنی‌ساز رابطه استفاده می‌کنند، در مقایسه با زوجین با دارای اسنادهای نگره‌دارنده آشفتگی^۱، کمتر به‌طور منفی تحت تاثیر عوامل فشارزای زندگی قرار می‌گیرند. همچنین یافته‌ها نشان دادند که اسنادهای زوجین نقش واسطه‌ای بین عوامل استرس‌زا و کیفیت زناشویی دارند و زوجین با کیفیت زناشویی بالا در خصوص عوامل استرس‌زا کمتر از اسنادهای منفی استفاده می‌کنند.

فینچام، هارولد و گانو- فیلیپس (۲۰۰۰) در یک پژوهش طولی نشان دادند که اسنادهای منفی زوجین که در آن همسران مشکلات رابطه‌شان را به ویژگی‌های درونی و غیر قابل‌تغییر همسرشان، مانند سرزنشگری و خودخواهی نسبت می‌دهند بر رضایت از رابطه و احساسات زوجین نسبت به یکدیگر اثر منفی می‌گذارد. پژوهش‌های متعددی از جمله ترمبلی، رایت، مامودهاسن و همکاران (۲۰۰۸)، استاندر، سیونگ و مک‌درمید (۲۰۰۹)، هالات و هوواردوگلو (۲۰۱۰)، چی، اپستین، فانگ و همکاران (۲۰۱۳)، بلیس و رندشو (۲۰۱۴) و کایمس و دورتشی (۲۰۱۶) نشان دادند که بین رضایت و سازگاری زناشویی با اسنادهای علی و مسئولیت‌پذیری زنان رابطه معناداری وجود دارد. کروپلی و رید (۲۰۰۸) مشخص ساختند که همسرانی که نسبت به یکدیگر اسنادهای مثبت‌تری دارند، احتمال بیشتری دارد که از روابط زناشویی خود رضایت داشته باشند. خجسته‌مهر، غفاری و کرایبی (۱۳۸۹) در پژوهش خود نشان دادند که هر چه اسنادها نسبت به رفتار شوهر در رابطه زناشویی منفی، پایدار، بیرونی و غیر قابل‌کنترل باشد رضایت زناشویی زنان نیز پایین‌تر و در نتیجه احتمال شکست و طلاق بیشتر می‌شود. با توجه به هدف پژوهش و ملاحظات نظری و یافته‌های پژوهشی موجود، فرضیه زیر آزمون شد:

استانداردهای زناشویی (مرزهای شخصی، پیامد کنترل، سرمایه‌گذاری ابزاری و سرمایه‌گذاری عاطفی) و اسنادهای ارتباطی (جایگاه مهار^۲، ثبات و پایداری^۳، عمومیت^۴، قصد و

5. intent
6. motivation
7. blame
8. discriminant analysis
9. Relationship Assessment Scale (RAS)

1. confusing preservation attributions
2. locus of control
3. stability
4. globality

پایین بیانگر این است که تنها یکی از زوجین باید تصمیم‌گیری کند. نهایتاً، نمره بالا در زیرمقیاس سرمایه‌گذاری ابزاری و عاطفی نشان‌دهنده این است که شخص پاسخ‌دهنده معتقد است که زوجین باید اغلب اوقات تعهد و توجهشان را به یکدیگر نشان دهند درحالی‌که نمره پایین نشان می‌دهد که شخص معتقد است نیازی نیست زوجین تعهد و توجهشان را به یکدیگر نشان دهند. باکوم و همکاران (۱۹۹۶) پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ در چهار زیرمقیاس برای زنان از ۰/۶۵ تا ۰/۷۷ و روایی آن را از طریق همبسته کردن با مقیاس سازگاری زناشویی^۲ ۰/۷۱ گزارش نمودند. حسن‌پور اصطهبانی (۱۳۸۹) ضریب پایایی را با روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب برای چهار زیرمقیاس در دامنه‌ای بین ۰/۵۱ تا ۰/۹۰ به دست آورد. همچنین، روایی سازه را از طریق همبسته کردن این پرسشنامه با مقیاس سازگاری زناشویی در زنان برای چهار زیرمقیاس به ترتیب برابر ۰/۴۷، ۰/۴۱، ۰/۵۶ و ۰/۵۶ (۰/۰۱) $p <$ محاسبه نمود. در پژوهش حاضر ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ برای چهار زیرمقیاس به ترتیب برابر ۰/۹۰، ۰/۸۶، ۰/۸۶ و ۰/۸۶ به دست آمد.

سنجه اسناد ارتباطی (RAM).

سنجه اسناد ارتباطی (RAM). سنجه اسناد ارتباطی^۳ (RAM) اظهارات زنان در خصوص علل رفتار شوهرانشان یا به عبارت بهتر دلایل مشکلات بروز کرده بین زن و شوهر را از دیدگاه زنان توضیح می‌دهد. این سنجه توسط فینچام و برادبوری (۱۹۹۲؛ به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۶) تهیه شد و شامل ۲۴ سؤال خودگزارشی است که ابعاد اسناد علی؛ شامل جایگاه مهار، ثبات و پایداری و عمومیت و ابعاد اسناد مسئولیت‌پذیری- سرزنش؛ شامل قصد و نیت، انگیزه و سرزنش را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نمره‌گذاری این سنجه به صورت لیکرت شش درجه‌ای از کاملاً موافقم (۶) تا کاملاً مخالفم (۱) است. نمره‌های بالا در ابعاد اسناد علی نشان می‌دهد که زنان تمایل دارند، نشان دهند که چه چیزی یا چه کسی باعث مشکل شده است. نمره‌های بالا در ابعاد اسناد مسئولیت‌پذیری- سرزنش نشان می‌دهد که زنان تمایل

دامنه تحصیلی و دامنه ازدواج) را با افراد ناسازگار داشتند، ۱۷۴ نفر به‌عنوان نمونه عادی انتخاب شد. میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت‌کنندگان گروه ناسازگار به ترتیب برابر ۳۲/۶۷ و ۷/۵۲ سال و گروه سازگار به ترتیب برابر ۳۴/۶۸ و ۶/۳ بود. همچنین، میانگین و انحراف استاندارد طول مدت ازدواج شرکت‌کنندگان گروه ناسازگار به ترتیب برابر ۱۰/۸۳ و ۱۰/۰۵ و گروه سازگار به ترتیب برابر ۱۱/۳۹ و ۱۰/۴۵ و میانگین و انحراف استاندارد تعداد فرزندان شرکت‌کنندگان گروه ناسازگار به ترتیب برابر ۱/۰۸ و ۱/۱۴ و گروه سازگار به ترتیب برابر ۱/۱۸ و ۱/۲۱ و میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان هر دو گروه نیز از مقطع دیپلم تا کارشناسی ارشد متغیر بود.

ابزار سنجش

پرسشنامه استانداردهای روابط خاص (ISRS).

پرسشنامه استانداردهای روابط خاص^۱ (ISRS) ۴۸ ماده‌ای توسط باکوم، اپستین، رانکین و همکاران (۱۹۹۶؛ به نقل از خجسته‌مهر، عباس‌پور و دانیالی، ۱۳۹۶) تدوین شد که استانداردهای زوجین در رابطه زناشویی را در سه بخش استانداردهای واقعی فرد در خصوص اینکه ازدواج چگونه باید باشد، میزان و مقداری که فکر می‌کند استاندارد در زندگی‌اش رعایت می‌شود و میزان رضایت یا عدم رضایت از تحقق یا عدم تحقق استاندارد در ازدواج اندازه‌گیری می‌کند. در پژوهش حاضر تنها سؤالات مربوط به بخش اول که استانداردهای زناشویی را در چهار بعد مرزهای شخصی، پیامد کنترل و سرمایه‌گذاری ابزاری و عاطفی اندازه می‌گیرند، مورد استفاده قرار گرفت (هر زیرمقیاس شامل ۱۲ سؤال). نمره‌گذاری هر ماده دارای ۵ گزینه از ۵ (همیشه) تا ۱ (هرگز) است که نمره بالا در زیرمقیاس مرزهای شخصی نشان می‌دهد که شخص فکر می‌کند که مردم باید سهم زیادی را در رابطه با همسرشان تقسیم کنند، نمره پایین نشانگر این است که شخص معتقد است باید بیشتر بین زوجین جدایی باشد. نمره بالا در زیرمقیاس پیامد کنترل نشان می‌دهد که شخص معتقد است که زوجین باید با هم مسئولیت تصمیم‌گیری را به عهده بگیرند، درحالی‌که نمره

2. Dyadic Adjustment Scale (DAS)
3. Relationship Attribution Measurement (RAM)

1. Inventory of Specific Relationship Standards (ISRS)

بعد مسئولیت‌پذیری- سرزنش با رضایت زناشویی در زنان متقاضی طلاق به ترتیب ۰/۲۱۹- و ۰/۳۷۵- و در زنان عادی به ترتیب ۰/۵۳۵- و ۰/۶۲۲- محاسبه شد که حاکی از روایی این سنجه است. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ در ابعاد جایگاه مهار، ثبات و پایداری و عمومیت به ترتیب برابر ۰/۶۱، ۰/۷۷ و ۰/۸۲ و در ابعاد قصد و نیت، انگیزه و سرزنش به ترتیب برابر ۰/۸۶، ۰/۸۹ و ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱ اطلاعات مربوط به میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پیش‌بین را برای زنان سازگار و ناسازگار نشان می‌دهد. همانگونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، در استانداردهای زناشویی (مرزهای شخصی، پیامد کنترل، سرمایه‌گذاری ابزاری و سرمایه‌گذاری عاطفی) میانگین افراد ناسازگار بیشتر از افراد سازگار است و در اسنادهای ارتباطی (اسنادهای علی شامل جایگاه مهار، ثبات و پایداری و عمومیت؛ اسنادهای مسئولیت‌پذیری- سرزنش شامل قصد و نیت، انگیزه و سرزنش) میانگین افراد سازگار کمتر از افراد ناسازگار است.

دارند که رفتارهای دیگری را عمدی، خودخواهانه و مقصر جلوه دهند (فینچام و برادبوری، ۱۹۹۲). فینچام و برادبوری (۱۹۹۲) پایایی این سنجه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای زنان در بعد علی ۰/۸۹ و در بعد مسئولیت‌پذیری- سرزنش ۰/۹۳ محاسبه کردند. همچنین فینچام و برادبوری (۱۹۹۲) نشان دادند که بین این سنجه و پرسشنامه اسنادهای مشکلات زناشویی^۱ همبستگی معناداری وجود دارد که حاکی از اعتبار سازه بالای این سنجه است. در پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۸۹) پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ در بعد علی برای زنان عادی و متقاضی طلاق برابر ۰/۸۷ و ۰/۷۷، و در بعد مسئولیت‌پذیری- سرزنش برابر ۰/۹۰ و ۰/۷۸ محاسبه شد. همچنین، برای بررسی روایی این سنجه از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۲ استفاده شد که ضریب همبستگی بعد علی و

1. Marital Difficulty Attribution (MDA)
2. Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communicating and Happiness (ENRICH)

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های دو گروه زنان سازگار و ناسازگار در متغیرهای پیش‌بین

زنان ناسازگار		زنان سازگار		متغیرهای پیش‌بین
SD	M	SD	M	
۸/۶۷	۴۲/۶۲	۷/۶۸	۴۷/۰۵	استاندارد مرزهای شخصی
۸/۵۱	۴۷/۴۲	۶/۰۵	۵۱/۷۹	استاندارد پیامد کنترل
۷/۹۶	۴۵/۰۴	۶/۲۲	۴۹/۵۸	استاندارد سرمایه‌گذاری ابزاری
۷/۴	۴۷/۹۷	۵/۷۸	۵۲/۳۶	استاندارد سرمایه‌گذاری عاطفی
۵/۵۲	۱۳/۷۷	۴/۳۶	۹/۸۷	اسناد جایگاه مهار
۴/۴۷	۱۲/۶۶	۳/۴۳	۹/۰۴	اسناد ثبات و پایداری
۴/۹۷	۱۶/۶۱	۵/۳۱	۱۳/۵۷	اسناد عمومیت
۴/۸۶	۱۰/۹۷	۳/۶	۷/۱۷	اسناد قصد و نیت
۴/۸	۱۱/۶	۳/۷۲	۶/۷	اسناد انگیزه
۴/۹۵	۱۲/۶۱	۴/۴	۹/۰۲	اسناد سرزنش

ناسازگار) برخوردار است. بنابراین، فرضیه اصلی پژوهش تأیید می‌شود. با دقت در ردیف پیش‌بین عضویت گروهی مشخص است که تابع ممیز به‌دست آمده با روش همزمان به‌طور کلی ۸۲٪ افراد و با روش گام‌به‌گام ۷۸٪ افراد به‌درستی طبقه‌بندی شده‌اند. به عبارت دیگر، قدرت پیش‌بینی تابع ممیز به روش همزمان ۸۲٪ و روش گام‌به‌گام ۷۸٪ است.

جدول ۲ خلاصه اطلاعات مربوط به تابع ممیز متغیرهای پیش‌بین به‌صورت تفکیکی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۲ آمده است (هم در تحلیل ممیز به روش همزمان و هم روش گام‌به‌گام) با توجه به مقدار لامبدای کوچک و مقدار مجذور کای بالا و سطح معناداری ($p < 0/0001$)، تابع ممیز به‌دست آمده، از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین واریانس متغیر وابسته یعنی عضویت گروهی (در دو سطح سازگار و

جدول ۲

خلاصه یافته‌های تابع ممیز متعارف به روش همزمان (۱۰ متغیر پیش‌بین) و گام‌به‌گام (۳ متغیر پیش‌بین)

اطلاعات مربوط به تابع ممیز	روش همزمان	گام‌به‌گام
تعداد تابع	۱	۱
مقدار ویژه	۰/۴۹	۰/۴۶
درصد واریانس	۱۰۰	۱۰۰
درصد تراکمی	۱۰۰	۱۰۰
همبستگی متعارف	۰/۵۷	۰/۵۶
مجذور اتا	۰/۳۲	۰/۳۱
لامبدای ویلکز	۰/۶۷	۰/۶۸
مجذور کای	۱۲۶/۷۴	۱۲۰/۴۶
درجه آزادی	۱۰	۳
معناداری تابع ممیز	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
مرکز واره داده‌ها گروه سازگار	-۰/۶۴	-۰/۶۲
مرکز واره داده‌ها گروه ناسازگار	۰/۷۵	۰/۷۴
پیش‌بینی عضویت گروهی	۰/۸۲	۰/۷۸
ضریب کاپا	۰/۶۲۷	۰/۵۵۱
معناداری ضریب کاپا	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

همان‌طور که توضیح داده شد، با اجرای تحلیل ممیز به روش گام‌به‌گام و ارائه ۱۰ متغیر پیش‌بین، ۳ متغیر باقی ماندند که اطلاعات مربوط به این ۳ متغیر در جدول ۳ ارائه شده‌اند. در گام اول، متغیر اسناد انگیزه، در گام دوم متغیر

استاندارد سرمایه‌گذاری عاطفی و در گام سوم متغیر اسناد جایگاه مهار وارد تحلیل شدند که F برای هر سه متغیر در سطح $p < 0/001$ معنادار است.

جدول ۳

خلاصه یافته‌های تحلیل ممیز گام‌به‌گام همراه با لامبدای ویلکز ۳ متغیر پیش‌بین

مرحله	وارد شده	تعداد متغیر	لامبدای ویلکز	df 1	df 2	df 3	F دقیق		
							آماره	df 1	df 2
۱	اسناد انگیزه	۱	۰/۷۵	۱	۱	۳۲۲	۱۰۶/۵۱	۱	۳۲۲
۲	سرمایه‌گذاری عاطفی	۲	۰/۷۱	۲	۱	۳۲۲	۶۵/۵۲	۲	۳۲۱
۳	اسناد جایگاه مهار	۳	۰/۶۸	۳	۱	۳۲۲	۴۸/۶۶	۳	۳۲۰

ضرایب (استاندارد، غیراستاندارد، ساختاری و طبقه‌بندی) متغیرهای پیش‌بین تابع ممیز در روش همزمان و گام‌به‌گام در جدول ۴ ارائه شده‌اند که به ترتیب متغیرهای اسناد انگیزه، استاندارد سرمایه‌گذاری عاطفی و اسناد جایگاه مهار بالاترین وزن تفکیکی را با متغیر گروهی نشان می‌دهند. ضرایب ساختاری تابع ممیز، ماتریس ضرایب همبستگی هر متغیر با تابع (نمره پیش‌بینی شده گروهی یا نمره ممیز) است. این همبستگی‌ها به‌عنوان همبستگی‌های متغیر متعارف یا بارهای ممیز نامیده می‌شوند. با استفاده از ضرایب غیراستاندارد، معادله تابع ممیز را می‌توان محاسبه کرد. بنابراین، با قرار دادن نمره هر فرد در متغیرهای مربوط در تابع، نمره فرد به‌دست می‌آید. لازم به یادآوری است که تابع ممیز ممکن است با متغیری که بیشترین ارتباط را با آن دارد نام‌گذاری شود. با توجه به اطلاعات مندرج، می‌توان تنها تابع ممیز را استاندارد سرمایه‌گذاری عاطفی نام‌گذاری کرد.

جدول ۴

جدول ضرایب استاندارد، غیراستاندارد و ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز به روش همزمان و گام‌به‌گام

کد	متغیر	روش همزمان			
		استاندارد	غیراستاندارد	ساختاری	ضرایب طبقه‌بندی
		گروه سازگار	گروه سازگار	گروه ناسازگار	

ادامه جدول ۴

۰/۱۱	۰/۱۱	-۰/۳۸	۰/۰۰۵	۰/۰۴	استاندارد مرزهای شخصی	X _۱
۰/۲۳	۰/۲۱	-۰/۴۲	۰/۰۱	۰/۰۷	استاندارد پیامد کنترل	X _۲
-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۴۵	-۰/۰۰۳	-۰/۰۱	استاندارد سرمایه‌گذاری ابزاری	X _۳
۰/۸۶	۰/۹۷	-۰/۴۷	-۰/۰۸	-۰/۵۲	استاندارد سرمایه‌گذاری عاطفی	X _۴
۰/۰۷	-۰/۰۱	۰/۵۶	۰/۰۵	۰/۲۸	اسناد جایگاه مهار	X _۵
۰/۳۷	۰/۲۸	۰/۶۵	۰/۰۶	۰/۲۵	اسناد ثبات و پایداری	X _۶
۰/۱۶	۰/۱۴	۰/۴۲	۰/۰۱	۰/۰۶	اسناد عمومیت	X _۷
۰/۰۷	۰/۱۸	۰/۶۴	-۰/۰۷	-۰/۳۳	اسناد قصد و نیت	X _۸
۰/۲۸	-۰/۰۰۷	۰/۸۲	۰/۲۱	۰/۸۹	اسناد انگیزه	X _۹
۰/۳۰	۰/۳۵	۰/۵۴	-۰/۰۳	۰/۱۶	اسناد سرزنش	X _{۱۰}
۳۷/۲۱	-۳۸/۵۳		۰/۹۹		عدد ثابت	
روش گام‌به‌گام						
۱/۱۴	۱/۲۳	-۰/۴۹	-۰/۰۶	-۰/۴۴	استاندارد سرمایه‌گذاری عاطفی	X _۴
۰/۲۶	۰/۱۷	۰/۵۸	۰/۰۷	۰/۳۵	اسناد جایگاه مهار	X _۵
۰/۶۹	۰/۴۸	۰/۸۵	۰/۱۵	۰/۶۷	اسناد انگیزه	
-۳۳/۹۵	-۳۵/۴۳		۱/۱۴		عدد ثابت	

بحث

آن) از هم متمایز شده‌اند. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش تأیید شد. نتایج این یافته‌ها با پژوهش‌های اپستین و همکاران (۲۰۰۵)، باکوم و همکاران (۱۹۹۶)، کوهن و سایرین (۲۰۰۵)، گوردون و همکاران (۱۹۹۹)، واندرر و شوانواینند (۲۰۰۸) و حسن‌پور (۱۳۸۹)، همخوان است. در تبیین رابطه مرزهای شخصی با سازگاری زناشویی می‌توان گفت، زوجین در مرزهای موردعلاقه خود اختلاف زیادی دارند و به نظر می‌رسد مرزهای قوی‌تر و ضعیف‌تر با روابط رضایت‌بخش مشترک، ناسازگار هستند. باکوم و همکاران (۱۹۹۶)، معتقدند که ارتباط ضعیفی بین سطوح مطلق مرزها و رضایت از رابطه وجود دارد. با این وجود، نوع روابط مطلوب نیاز همسران با رضایت آنها از رابطه همبستگی دارد. اغلب، به نظر می‌رسد که الگوهای تکراری تعامل، این موضوع را منعکس می‌کند که یکی از همسران به دنبال مرزهای ضعیف‌تر است، درحالی‌که دیگری به دنبال حفظ یا محکم‌تر کردن مرزهاست. به‌عنوان مثال، وقتی زوجین دچار تعارض هستند، موضوع مرزها بدیهی است. یک همسر شروع به تلاش برای درگیر کردن همسر و ضعیف‌تر کردن مرزها می‌کند، درحالی‌که همسر دیگر از درگیر شدن کناره‌گیری می‌کند و مرزها را حفظ می‌کند. الگوی السون فرضیه‌ای دارد که

هدف پژوهش حاضر بررسی تعیین استانداردهای زناشویی (مرزهای شخصی، پیامد کنترل، سرمایه‌گذاری ابزاری و سرمایه‌گذاری عاطفی) و اسنادهای ارتباطی (جایگاه مهار، ثبات و پایداری، عمومیت، قصد و نیت، انگیزه و سرزنش) به عنوان پیش‌بین وضعیت زناشویی زنان متأهل (سازگار یا ناسازگار) بود. همان‌گونه که نشان داده شد ۸۲ درصد واریانس مربوط به سازگاری زناشویی به‌وسیله ترکیب ۱۰ متغیر پیش‌بین تبیین می‌شود. از سوی دیگر، طبق نتایج حاصل از تابع ممیز برای متغیرهای پیش‌بین با روش گام‌به‌گام مشخص شد متغیرهای اسناد مسئولیت، استاندارد سرمایه‌گذاری عاطفی و اسناد علی جایگاه مهار از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین متغیر وابسته عضویت گروهی (سازگار و ناسازگار) برخوردار هستند و این سه متغیر جمعاً ۷۸٪ واریانس مربوط به سازگاری زناشویی را تبیین می‌کنند.

یافته‌ها همچنین نشان داد که استانداردهای زناشویی و مؤلفه‌های آن سازگاری و ناسازگاری زناشویی زنان متأهل را پیش‌بینی می‌کنند. به عبارت دیگر، گروه سازگار و ناسازگار به‌خوبی در همه متغیرهای پیش‌بین (استانداردها و مؤلفه‌های

افزایش دهند، که این آگاهی برای مداخلات زوج‌درمانی ضروری است.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان دادند که اسنادهای ارتباطی (جایگاه مهر، ثبات و پایداری، عمومیت، قصد و نیت، انگیزه و سرزنش) می‌توانند سازگاری زناشویی افراد متأهل را پیش‌بینی کنند. به عبارت دیگر، گروه سازگار و ناسازگار به‌خوبی در همه متغیرهای پیش‌بین (اسنادهای ارتباطی) از هم متمایز شده‌اند. نتایج این یافته‌ها با پژوهش‌های استاندر، سیونگ و مک درمید (۲۰۰۹)، خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۸۹)، فینچام و بیچ (۱۹۹۹)، گراهام و کونولی (۲۰۰۶)، هالات و هوواردوگلو (۲۰۱۰) و هیمن (۲۰۰۱) همخوان است. پژوهش‌های گسترده‌ای در خصوص تأثیر اسنادهای ارتباطی بر کیفیت و عملکرد رابطه زناشویی صورت گرفته است که به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد پیش‌بینی سطوح مختلف ثبات و کیفیت زناشویی به‌وسیله سبک‌های مختلف اسنادهای زناشویی امکان‌پذیر است (استاندر و همکاران، ۲۰۰۹؛ برادبوری و فینچام، ۱۹۹۰). پژوهش‌های استاندر و همکاران (۲۰۰۹)، ترمبلی و همکاران (۲۰۰۸) و فینچام و بیچ (۱۹۹۹) نیز نشان داد که ابعاد اسناد (علی و مسئولیت‌پذیری- سرزنش) با رضایت زناشویی رابطه دارند. همچنین رفتارهای منفی و اسنادهای منفی با مشکلات زناشویی و نارضایتی زناشویی مرتبط هستند.

اسناد دادن مکرر مشکلات به همسر و مقصر دانستن او، یکی از عوامل بروز سرخوردگی در زوجین و کاهش کیفیت زناشویی است. ارزیابی اسنادهای زناشویی در بین همسران مشخص کرده است که همسران ناخشنود، ترجیح می‌دهند تأثیر وقایع منفی را افزایش داده و تأثیر وقایع مثبت را کاهش دهند (برای مثال دلیل یک رفتار منفی را به شخصیت همسر نسبت می‌دهند و این موقعیت را ثابت و دائمی در نظر گرفته و آن را به تمام ابعاد رابطه تعمیم می‌دهند)، و متقابلاً همسران خشنود، اسنادهایی را ترجیح می‌دهند که تأثیر وقایع منفی را کاهش می‌دهد (برای مثال دلیل رفتار منفی همسر را به شخصیت او نسبت نمی‌دهند و این موقعیت را ناپایدار در نظر می‌گیرند که فقط به خود این

مرزهای متوسط بیشترین سازگاری را برای روابط دارد و مرزهای پایین و بالا ناسازگار هستند (هالفورد، ۲۰۰۱/ تبریزی، کاردانی و جعفری، ۱۳۸۷). در مورد مؤلفه پیامد کنترل می‌توان گفت: همه زوجین نیاز به تصمیم‌گیری دارند و بسیاری از تصمیماتی که آنها می‌گیرند تأثیر اساسی بر هر دو همسر خواهد داشت؛ زوجین نیاز دارند راه‌هایی که باعث مشارکت در نفوذ و قدرت در روابط می‌شود را بهبود بخشند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد مؤلفه سرمایه‌گذاری با سازگاری زناشویی رابطه دارد. سرمایه‌گذاری به میزان تعهد و تلاش هر همسر در ساختن رابطه اشاره می‌کند. سرمایه‌گذاری شامل مورد توجه قرار دادن دو حوزه گسترده است: سرمایه‌گذاری عاطفی و سرمایه‌گذاری ابزاری. سرمایه‌گذاری عاطفی میزان درگیری عاطفی زوجین با یکدیگر و حساسیت آنها به فضای عاطفی ارتباط را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری ابزاری میزان مشارکت افراد در کارهای روزمره موردنیاز را نشان می‌دهد. این کارهای روزمره شامل تکالیفی مثل کارهای خانه، نگهداری از ماشین، پرداخت قبض و چیزهای دیگر است. بنابراین بدیهی به نظر می‌رسد که، هرچه افراد در این امور و فعالیت‌ها هماهنگ‌تر باشند و با همدیگر همکاری مناسب‌تری داشته باشند میزان توافق و سازگاری آنها افزایش خواهد یافت. به‌طور کلی استانداردهای بالا می‌تواند ارتباط مؤثر را تسهیل کند. علاوه بر این‌ها، استانداردها میزان زیادی از مشارکت بین زوجین و سطح بالایی از سرمایه‌گذاری در ازدواج را شامل می‌شود که به خلق‌وخویی که ارتباط بیشتری را ایجاد می‌کند، منجر می‌شود. همچنین پژوهش‌های اخیر نشان دادند که استانداردهای زناشویی با رفتارهای حمایتی زوجین در موقعیت‌های پراسترس رابطه دارد. گوردن و همکاران (۱۹۹۹) و باکوم و همکاران (۱۹۹۶) دریافتند زوجینی که درباره روابطشان به روشی متمرکز بر مساوات‌طلبی و مشارکت رفتار می‌کنند، سطوح بالای سازگاری زناشویی را گزارش می‌دهند. آگاهی زوجین از استانداردهای رابطه، زمینه‌ای را برای زوج درمانگران و پژوهشگران فراهم می‌کند تا توانایی پیش‌بینی درباره ارتباط و سازگاری زناشویی را

سوی همسرشان بر دیگر جنبه‌های زندگی آنها نیز تأثیر بسیار می‌گذارد. در زوجین عادی تأثیر اسناد علی می‌تواند منجر به این فرایند شود که شریک خود را از وضعیت جایگاه مهار درونی در قبال مشکل پیش‌آمده، ثبات و پایداری رفتار نامناسب و تعمیم رفتار به همه شرایط و موقعیت‌ها، رها کند و همچنان خواهان تداوم زندگی با همسر خود باشد.

محدود بودن جامعه آماری به زوجینی که میزان سواد آنها در حدی باشد که بتوانند به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند، امکان تعمیم نتایج آن را به سایر زوج‌های سازگار و ناسازگار با محدودیت روبرو می‌سازد. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های همبستگی است. بنابراین امکان استنباط رابطه علت و معلولی وجود ندارد و پیشنهاد می‌شود در قالب پژوهشی آزمایشی، استانداردهای زناشویی رابطه‌مدار به زوجین آموزش داده شود تا تأثیر آن بر ثبات و خشنودی زندگی زناشویی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، درمانگران حوزه خانواده، نقش شناخت‌ها به ویژه استانداردهای زناشویی و اسنادهای ارتباطی را در جهت پیشگیری از عمیق شدن ناسازگاری زوجین، مورد تأکید قرار دهند.

واقعیه محدود می‌شود و آن را به سایر ابعاد رابطه تعمیم نمی‌دهند).

زوجینی که اسنادهای علی و مسئولیت- سرزنش پایین‌تری نسبت به رفتارهای همسر خود دارند، در هنگام بروز آسیب از سوی همسر خود، رفتار اشتباه وی را غیرعمدی، ناپایدار، غیر خودخواهانه، بدون تقصیر و بدون تأثیر بر دیگر جنبه‌های زندگی جلوه می‌دهند و بدین ترتیب نگرش مثبت و سازنده‌تری را اعمال می‌کنند که در نهایت باعث افزایش رضایت زناشویی و تداوم رابطه زناشویی آنان می‌شود. اسناد علی نشان‌دهنده این است که زوجین در هنگام بروز مشکل بسیار تمایل دارند نشان دهند که چه چیزی یا چه کسی باعث ایجاد مشکل شده است و همچنین نشان می‌دهد که همسرش از کدام جایگاه مهار برخوردار است. آیا مشکل، ناشی از عوامل درونی فرد است یا از شرایط بیرونی ناشی شده است؟ همچنین در پی این است که ببیند آیا رفتار منجر به مشکل دائمی و از ویژگی‌های شخصیتی وی است؟ و اینکه آیا این رفتار در همه شرایط و موقعیت‌ها رخ می‌دهد؟ همچنین آنها رفتار منفی همسر را غیر قابل‌تغییر می‌دانند و معتقدند که بروز یک رفتار منفی از

منابع

- برنشتاین، فیلیپ. اچ. و برنشتاین، ماری. تی. (۱۹۹۶). *زناشویی درمانی*. ترجمه حسن پورعابدی نایینی و غلامرضا منشی (۱۳۸۴). (چاپ دوم) تهران: انتشارات رشد.
- بشارت، م. و رفیع‌زاده، ب. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سطوح رضایت جنسی و سازگاری زناشویی بر اساس متغیرهای شغلی، تعهد، صمیمیت و دانش و نگرش جنسی. *مجله روانشناسی خانواده*، ۳، ۳۱-۴۶.
- حسن‌پور اصطهبانی، م. (۱۳۸۹). *بررسی رابطه تعاملی استانداردهای زناشویی و الگوهای ارتباطی با کیفیت زناشویی در معلمان متأهل شهر شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- خجسته‌مهر، ر. و محمدی، ر. (۱۳۹۵). تجربه خوشبختی در ازدواج‌های پایدار: یک مطالعه کیفی. *مجله روانشناسی خانواده*، ۳، ۷۰-۵۹.
- خجسته‌مهر، ر.، عباس‌پور، ذ. و دانیالی، ر. (۱۳۹۶). *نظریه‌ها و آزمون‌ها در روانشناسی خانواده و ازدواج*. چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
- خجسته‌مهر، ر.، غفاری، ن. و کرای، ا. (۱۳۸۹). اسنادهای ارتباطی به‌عنوان پیش‌بین قوی موقعیت زناشویی زنان. *فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۳۴، ۱۲۳-۱۰۷.
- خجسته‌مهر، ر.، نادری، ف. و سودانی، م. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای مقابله زوجی در رابطه بین استانداردهای زناشویی و رضایت زناشویی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱۲، ۶۷-۴۷.

هالفورد، ک. (۲۰۰۱). زوج‌درمانی کوتاه‌مدت. ترجمه مصطفی تبریزی، مزده کاردانی و آزاده جعفری (۱۳۸۷). چاپ اول، تهران: انتشارات فراروان.

References

- Alexander, A. L. (2008). Relationship resources for coping with unfulfilled standards in dating relationship: Commitment, satisfaction, and closeness. *Journal of Social and Personality Relationship, 25*, 725-747.
- Baucom, D. H., Epstein, N., & LaTaillade, J. J. (2002). Cognitive-behavioral couple therapy. In A. S. Gurman & N. S. Jacobson (Eds.), *Clinical handbook of couple therapy* (pp. 26–58). New York: Guilford Press.
- Baucom, D. H., Epstein, N., Daiuto, A. D., Carels, R. A., Rankin, L. A., & Burnett, C. K. (1996). Cognitions in marriage: The relationship between standards and attributions. *Journal of Family Psychology, 10*, 209–222.
- Baucom, D. H., Epstein, N., Rankin, L. A., & Burnett, C. K. (1996). Assessing relationship standards: The Inventory of Specific Relationship Standards. *Journal of Family Psychology, 10*, 72–88.
- Baucom, D. H., Epstein, N., Sayers, S. L., & Sher, T. G. (1989). The role of cognitions in marital relationships: Definitional, methodological, and conceptual issues. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 57*, 31–38.
- Baucom, D. H., Sayers, S. L. & Duher, A. (1987). "Attributional style and attributional patterns among married couples." *Journal of Personality and Social Psychology, 56*, 596-607.
- Blais, R. K., & Renshaw, K. D. (2014). Perceptions of partners' attributions for depression in relation to perceptions of support and conflict in romantic relationships. *Journal of Marital and Family Therapy, 40*, 498-508.
- Bodenmann, G. & Cina, A. (2000). Der einfluss von stress auf die partnerschaftsqualität und stabilität. *Kontext, 31*, 124-138.
- Bradbury, T. N. & Fincham, F. D. (1990). Attributions in marriage: Review and Critique. *Psychological Bulletin, 107*, 3-33.
- Brandt, C. G., Dean, M. B., Brandon, K. B., & Sarah, E. L. (2011). Getting to the root of relationship attributions: Family of origin perspective on self and partner views. *Contemporary Family Therapy, 33*, 253–272.
- Chi, P., Epstein, N. B., Fang, X., Lam, D. O. B., & Li, X. (2013). Similarity of relationship standards, couple communication patterns, and marital satisfaction among Chinese couples. *Journal of Family Psychology, 27*, 806-816.
- Cropley, C. J., & Reid, S. A. (2008). A latent variable analysis of couple closeness, attributions, and relational satisfaction. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families, 16*, 364–374.
- Epstein, N., & Baucom, D. H. (2002). *Enhanced cognitive – behavioral therapy for couples: A contextual approach*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Epstein, N. B, Chen, F., & Beyder- Kamjou, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. *Journal of Marital and Family Therapy, 31*, 59 – 74.
- Fincham, F. D. & Beach, S. R. (1999). Marital conflict: Implications for working couples. *Annual Review of Psychology, 50*, 47 - 77.
- Fincham, F. D., & Bradbury, T. N. (1992). Assessing attribution in marriage: The relationship attribution measure. *Journal*

- of Personality and Social Psychology*, 64, 449-452.
- Fincham, F. D., Harold, G. T., & Gano-Phillips, S. (2000). The longitudinal association between attributions and marital satisfaction: Direction of effects and role of efficacy expectations. *Journal of Family Psychology*, 14, 267-285.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2000). "Timing of divorce: Predicting when a couple Will divorce over a 14-year period". *Journal of Marriage and Family*, 62, 737-745.
- Graham, J. M. & Conoley, C. W. (2006). The role of marital attributions in the relationship between life stressors and marital quality. *Journal of Personal Relationships*, 13, 231-241.
- Halat, M. I., & Hovardaoglu, S. (2010). The relations between the attachment styles, causality and responsibility attributions and loneliness of the married couples in the context of the investment model. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 2332-2337.
- Heyman, R. E. (2001). Observation of couple conflicts clinical assessment applications, stubborn truths, and shaky foundations. *Psychological Assessment*, 13, 5-35.
- Hilt, L. M. (2004). Attribution retraining for therapeutic change: Theory, practice, and future directions. *Journal of Imagination, Cognition and Personality*, 23, 289-307.
- Holmes, B. M., & Johnson, K. R. (2009). Where fantasy meets reality: Media exposure, relationship bellife and standard, and the moderating effect of a current relationship. In E. P. Lamont (Ed.). *Social Psychology: New research* (pp. 89-108). New York: Nova Science Publishers.
- Kepler, A. (2015). *Marital Satisfaction: The impact of premarital and couples counseling*. A master of arts thesis in social work, St. Catherine University and the University of St Thomas, Minnesota.
- Kimmes, J. G., & Durtschi, J. A. (2016). Forgiveness in romantic relationships: The roles of attachment, empathy, and attributions. *Journal of Marital and Family Therapy*, 42, 565-759.
- Kimmes, J. G., Durtschi, J. A., Clifford, C. E., Knapp, D. J., & Fincham, F. D. (2015). The role of pessimistic attributions in the association between anxious attachment and relationship satisfaction. *Family Relations*, 64, 547-562.
- Kohen, C. S. & Sayers, S. L. (2005). Extreme relationship standards in the context of discordant and nondiscordant couples. *Cognitive and Behavioral Practice*, 12, 319-323.
- Litzinger, S., & Gordon, K. C. (2005). Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 31, 409-424.
- McNulty, J. K. (2016). Should spouses be demanding less from marriage? A contextual perspective on the implications of interpersonal standards. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 42, 444-457.
- Rao, S. L. (2017). Marital adjustment and depression among couples. *The International Journal of Indian Psychology*, 4, 34-42.
- Slatcher, R. B., & Schoebi, D. (2017). Protective processes underlying the link between marital quality and physical health. *Current Opinion in Psychology*, 13, 148-152.
- Stander, V. A., Hsiung, P., & McDermid, S. (2009). The relationship of attribution to marital distress: A comparison of mainland Chinese and U.S couples. *Journal of Family Psychology*, 15, 124-134.
- Stander, V. A., Hsiung, P., & McDermid, S. (2009). The relationship of attribution to marital distress: A comparison of mainland

- Chinese and U.S couples. *Journal of Family Psychology*, 15, 124-134.
- Tremblay, N., Wright, J., Mamodhousen, S., McDuff, P., & Cote, G. (2008). Correlates of attributions of causality and responsibility for couples in consultation for marital therapy. *Canadian Journal of Behavioral Science*, 40, 162-170.
- Wunderer, E., & Schneewind, K. A. (2008). The relationship between marital standards, dyadic coping and marital satisfaction. *Journal of Social Psychology*, 38, 462-476.